

(۲)

مصاحبه جالبی با یک تازه مسلمان آلمانی

سوئین سؤال من

س : شما تاکنون یک‌بار از کشورهای اسلامی (یعنی کشورهایی که اسلامی نامیده میشوند) مسافرت کرده‌اید ؟ و چه چیزهایی بیشتر در رفتار و روحیات و کارهای اجتماعی مسلمانان مورد توجه‌تان قرار گرفته است .. ؟

ج : . . من تاکنون بکشورهای ترکیه - الجزایر - سوریه - مصر - لبنان - پاکستان - کویت - ایران (فقط تهران) مسافرت کرده و زیارت مکه و مدینه نائل گشته‌ام - من در تمام این مسافرتها در خانواده‌های مسلمان زندگی میکردم چون آنها مرا دعوت میکردند - واقعا وقتیکه من خود را در میان خواهران و برادران مسلمانم میدیدم در خود احساس غرور و افتخار میکردم بزرگترین نتیجه مثبت این مسافرتها من همان خروج از حصار اروپا و تماس و آشنائی بیشتر با مسلمین جهان و درراس همه آشنائی با همسر فعلی مسلمانم که از خانواده‌ای چهارصدساله مسلمان یوگسلاوی است که در سال ۱۹۶۴ با او ازدواج کرده و در ۱۹۶۵ از او فرزند عزیزم بدنیا آمد.

و اما آنچه که بیشتر مرا در این مدت گردش در کشورهای اسلامی رنج میداد بالا بگیری و بی‌توجهی بعضی از خانواده‌های ثروتمند و بعضی از مسلمانان آسمی بود که قوانین اسلام را رعایت نکرده و محترم‌نمیشمردند مثلاً وقتیکه در چند سال قبل جهت جمع‌آوری اعانات برای مسجد آخن در ایام رمضان، ما یکی از کشورهای اسلامی سفر کرده بودیم بخانه چند فرد ثروتمند که وقتیم متوجه شدم که آنها علناً روزه خواری میکنند و کمتر بقوانین اسلام توجه دارند .

و شاید بعضی از آنها فکر میکردند که چرا من مسلمان شده‌ام ، چون متأسفانه افکار طبقه جوان مسلمان کشورهای اسلامی استعمار شده و چشمهایشان فقط با اعمال اروپائیان دوخته شده تا تقلید کنند، در نتیجه این تقلید کورکورانه و تحریف شده یک نوع غرب زدگی منفی و حس حقارت شدید در آنها ایجاد گشته بطوریکه تا یک فرد اروپائی را ببینند خیال میکنند حتماً موجودی مافوق آنهاست - (و در نتیجه این احساس حقارت جوانان مسلمان بهره برداری از منابع و ثروت‌های این کشورها برای غرب آسانتر شده است)

شاید در مسافرت‌م بمصر برخی از مردم قاهره هم فکر میکردند که چرا من اروپائی ترقی

معکوس کرده بآئینی که آنها از آن فرار می کنند وارد شده ام درحالی که آنها در اشتباهند زیرا من با کمال عقل و در نهایت دانائی و با منطق ، اسلام را پذیرفته ام اما بعضی از جوانان مسلمان - زاده در نهایت چشم بستگی و بی اطلاعی اسلام را ترك گفته و کورکورانه از اروپا تقلید میکنند امیدوارم برادران جوان مسلمانم از این انتقاد شدید من نرنجند.

اما باید اعتراف کنم که اگر بخواهم همه محسنات و عیوب مسلمانان را تجزیه و تحلیل نموده شرح دهم سخن بدرزا می کشد ولی اجتماعی بودن ، فداکاری ؛ انسانیت ؛ میهمان نوازی ؛ محبت بخانواده و از خود گذشتگی عجیبی که مسلمین در تربیت فرزندان از خود نشان میدهند بزرگترین محسنات و ویژه مسلمانان است که برتری آنها را بر سایر ملل بخصوص ملل غربی نشان میدهد ، زیرا امت آسفانه اروپائیان فاقد این صفات پسندیده انسانی هستند و اگر هم در گوشه ای از اروپا پیدا شود بندرت و به نسبت يك در هر آراست (۱)

بهر است حال آنکه از صفات نیکوی مسلمانان صحبت کردم به عیوب و صفات ناپسندیده آنها نیز اشاره کنم.

بنظر من زشت ترین صفات و اسفنا کترین حالات مسلمین همان «عقدۀ حقارت» و احساس «که بود شخصیت» و در مقابل غرب و غرب زدگی ، و بی نظم و ترتیبی است که بدبختانه در میان عده ای از مسلمانان موجود است درحالی که درست همین صفات از نظر اسلام نکوهیده شده اند و همین عوامل باعث میشوند که اگر جوانان مسلمان يك اروپائی را ببینند و یا در میان اروپائیان زندگی کنند از اینکه بگویند ما ایرانی ، عرب و یا ترك هستیم خجالت کشیده و خود را بنام يك کشور دیگر معرفی می کنند ، این عقدۀ حقارتها و تصور کمبود شخصیت موجود در میان طبقه جوان مسلمان زاده بشدت موجودیت تمدن اسلامی را تهدید نموده و موجب نابودی تمدن اسلامی و مسلمین میگردد .

بنا بر این من معتقدم و پیشنهاد میکنم که مسلمین سر نوشت خود را ، خودشان در دست گرفته و با انتظار کمها و اعانات کشورهای دیگر ننشینند و تا این اندازه بغرب و منابع غربی خوشبین نباشند ، بلکه بجای تقلید از غرب و پدیده هایش راه خود را در کتب و منابع و اصول و قوانین خود یافته و دنبال کنند ، و با پشتکار و استقلال عمل بدون چشم داشت بکمکهای غرب و شرق پیش روند و بیش از حرف عمل از خود نشان دهند یعنی کار را بدیگران محول نکنند .

امید دوم من اتحاد و یگانگی دوباره مسلمانان و تشکیل « سازمان ملل مسلمان » است که در سایه این اتحاد کلیه احتیاجات مسلمانان در داخل و درون حصار جهان اسلام حل

(۱) خوانندگان محترم توجه داشته باشند که این سخنان از زبان يك غربی متولد آلمان

(نویسنده)

در باره اروپا گفته می شود نه از يك نفر شرقی متعصب.

گشته و دیگر احتیاجی به روی آوردن بسازمانهای دست نشاندۀ و مورد نفوذ قدرتهای امپریالیستی و بزرگ نباشد .

\* \* \*

... «تصور میکنم تا حدودی بزندگی و نظریات «اسمان» وارد شدیم، بهتر است برای عبرت مامسلمانان اکنون از فعالیتهای و عملیات تبلیغاتی این جوان تازه مسلمان پر شور و حرارت با اطلاع گردیم.»

... در سال ۱۹۵۹ که تازه ۴ الی ۵ سال از مسلمان شدنم میگذشت با همان تجربیات و اندوخته کمی که داشتم فعالیتهای تبلیغاتی خود را شروع کرده و با کمک برادر مسلمانم احمد اشמיד (۱) که او نیز يك تازه مسلمان آلمانی است در کلن (۲) برنامه کار خود را شروع کردیم و برای بهتر به هدف رسیدن ، مجله الاسلام AL ISLAM را بزبان آلمانی منتشر ساختیم.

در سال بعد افتخار آشنائی با انجمن اسلامی دانشجویان مسلمان «آخن» را پیدا کردم و در فعالیتهای آنها شرکت جستۀ و برای جمع آوری پول جهت ساختمان مسجد آخن با اتفاق يك برادر دیگر به پاکستان و بعضی از کشورهای اسلامی سفر کردم و تقریباً توانستم مقدار قابل توجهی اعانه جمع آوری نمایم .

در سال ۱۹۶۲ رسماً به عضویت سازمان u.m.s.o ( سازمان متحدۀ دانشجویان مسلمان در اروپا) درآمده و در همان سال از طرف این سازمان جهت زیارت خانه خدا به مکه اعزام شدم و ضمناً در همان سفر در کویت و عربستان سعودی جهت مسجد مونیخ اعاناتی جمع آوری نمودم که مجموعاً مبالغ جمع آوری شده به ۲۰۰۰۰۰۰ دوست هزار مارک (۴۰۰۰۰۰ چهار صد هزار تومان) رسید .

در اینجا عرض کنم که سفر حج بزرگترین خاطره زندگی من است و بزرگترین تأثیر را در من گذاشت، شاید بحق بتوانم بگویم که من زندگی حقیقی را از سال مشرف شدن بحج شروع کرده ام و شاید اگر من زیارت خانه خدا نائل نشده بودم هنوز مسلمان کاملی نبودم و هم اکنون قادر به قبول اینهمه مسئولیت تبلیغی نمی بودم

من هر گاه دوباره بیاد خانه خدا میافتم شوق و علاقه ام بیشتر شده و آماده به تقبل هر کار سنگینی برای اسلام و مسلمین میگردم .

بعد از سفر حج برای ایجاد مسجد مونیخ با شوق و علاقه ای بیشتر با سایر برادرانم به همکاری و وسعتی پرداختم و در راه ادامه کارهای تبلیغاتی خود در اروپا فعالیت بیشتری نمودم بطوریکه هم اکنون با کمک سایر برادرانم مشغول انتشار مجله «المسلم» هستیم... در اینجا من صحبت ایشان را قطع کرده و از ایشان توضیحاتی بیشتر درباره وظایف «المسلم» برای خوانندگان مجله مکتب اسلام خواستم.

...المسلم بدو جهت ایجاد شده ومامیکوشیم که باین دوهدف نائل آئیم .  
اول اینکه زندگی واقعی و افکار و عقاید مسلمانان و اسلام حقیقی را با روپائیان  
بشناساند .

ووظیفه دومش ایجاد پیوستگی میان کلیه شعبات و دستجات مسلمین در اروپا است و بهمین  
جهت در شورای نویسندگان آن ، شیعه و سنی با هم شرکت دارند و حتی شیعیان در رأس قرار  
گرفته اند - من معتقدم که شاید اولین مرتبه ایستکه در اروپا بدست شیعه و سنی ( منظور  
همکاری نزدیک دودسته باهم است) مجله ای اسلامی بزبان آلمانی چاپ میشود البته المسلم  
ALMUSHİM ارگان رسمی سازمان U.M.S.O است و علت اینکه المسلم ارگان این سازمان  
قرارداده شد آن بود که اولاً این سازمان يك سازمان دانشجویی است و از طرفی نیز توانسته  
دانشجویان کلیه شعبات اسلامی را در یکجا جمع کرده و از نظر معنوی بهم پیوندد و با تمام  
خلوص برای تبلیغ دین مبین اسلام کوشش نماید و شاید علت اصلی اینکه من عضویت المسلم  
را پذیرفتم همان پیوند اسلامی بود که من در میان جوانان دانشجوی و غیر دانشجوی شیعه  
وسنی از کشورهای مختلف که در سازمان U.M.S.O جمع شده اند بدون توجه به ملیت و رنگ  
پوست دیدم .

(صحبت بدرازا کشید و وقت استراحت نیز تمام گشته بود از اینجهت میبایست خود را  
دوباره برای شرکت در کنفرانس حاضر میکردیم - اینستکه مصاحبه خود را با برادر عزیز آقای  
مالک اسمان خاتمه داده و بدین ترتیب از ایشان تشکر کردم).

.... برادرم آقای اسمان! من از لطف شما بسیار ممنونم که بسؤالات من پاسخ دادید من  
بوجود برادری چون شما افتخار میکنم و باید با کمال حق و انصاف عرض کنم که نتایج کارهای  
شما در این مدت کوتاه بسیار درخور ستایش است و فعالیتهایتان در راه تبلیغ اسلام حتی بیش از  
برخی از مسلمان زادگان مقیم اروپا بوده است .

مهندس مالک : من نیز از مصاحبه با شما خیلی خوشحال گشتم و امیدبخدای بزرگ دارم  
که در آینده بتوانم همکاری بهتری برای شما در راه پیش برد اهداف عالی اسلام و فکر جهانی اتحاد  
مسلمین باشم و اما درباره فعالیتهایم که شما گفتید - شاید حرف شما درست باشد اما يك تازه  
مسلمان همیشه در این فکر استکه برای جبران گذشته هایش که در فراموشی و گناه بسر برده  
بیشتر برای اسلام کار کند تا بدینوسیله دیون خود را باسلام جبران کند .

من آرزو میکنم که فرزند مسلمانی بهتر از من شده و آنچه را که من نتوانسته و یا موفق  
نشده ام برای اسلام و مسلمین انجام دهم و او انجام دهد .

آری این بود نظریات و شرحی مختصر از زندگی مرد تازه مسلمانیکه سراسر وجودش  
شعله ایست از حباب اسلام .